

### از آگاهان پرسیم

مردی را چشم دردی عظیم خاست<sup>۱</sup>. پیش بیطار<sup>۲</sup> رفت. بیطار از آنچه در چشم ستورانش<sup>۳</sup> می ریخت، در چشم مرد نهاد. اندکی گذشت و مرد کور شد. بیطار نزد قاضی بردند که چشم مرد کور کرده! گفت: رهایش کنید. او اگر خود انسان بودی، پیش بیطار نرفتی!

گلستان سعدی<sup>۴</sup>

---

۱- چشم دردی عظیم خاست: به چشم دردی شدید مبتلا شد.

۲- بیطار: کسی که حیوانات را معالجه می کند، دامپزشک.

۳- ستوران: چهارپایان، حیوانات اهلی.

۴- با اندکی تصرف.

## روش‌های عاقلانه

مهندس ماهر را تصور کنید که تخصص فراوانی در ساخت بناها و برج‌های بلند دارد. توانایی او در این کار آن قدر زیاد است که هیچ کس بدون مشورت و راهنمایی او برچی نمی‌سازد. حالا فکر کنید همین مهندس، ناگهان دچار سردرد شدیدی می‌شود. سرش گیج می‌رود و حتی یک لحظه هم نمی‌تواند روی پای خودش بایستد.

در این زمان چه باید کرد؟

آیا می‌توانیم بگوییم «چون او فردی متخصص و ماهر است، پس حتماً خودش می‌تواند این مشکل را حل کند»؟

امروزه با پیشرفت‌های علمی بشر، رشته‌های مختلف علمی آن چنان توسعه یافته است که دستیابی به تخصص، آن هم فقط در یک رشته علمی، نیازمند سال‌ها مطالعه و پژوهش است. بنابراین، کاملاً واضح است که هیچ کس نمی‌تواند در تمام رشته‌های علمی مورد نیاز زندگی‌اش به تخصص دست یابد و بدون کمک کارشناسان دیگر، همه مشکلاتش را حل کند.

همه ما وقتی بیمار می‌شویم، نزد پزشک ماهر می‌رویم و طبق دستور او داروهایی را مصرف می‌کنیم. ما از مواد تشکیل‌دهنده داروهایی که مصرف می‌کنیم آگاهی کامل نداریم، اما به راهنمایی پزشکان در این کار اعتماد می‌کنیم و هرچه آنها بگویند را اجرا می‌کنیم. این تنها راه عاقلانه است.

## فناویت کلاسی

به نظر شما در چه امور دیگری باید به کارشناس مراجعه کرد؟ سه نمونه از مراجعه‌هایی که در زندگی خودتان به کارشناسان داشته‌اید، بیان کنید.



در درس پیش دانستیم که پس از دوران بلوغ، تکالیف و مسئولیت‌های جدیدی از طرف خداوند به عهده ما قرار می‌گیرد که انجام آنها بر هر مسلمانی واجب خواهد بود<sup>۱</sup>. نماز خواندن، روزه گرفتن، پرداختن خمس و زکات<sup>۲</sup>، رفتن به حج و پرهیز از گناهان نمونه‌هایی از تکالیف دینی مسلمانان هستند. توجه داشته باشیم، این احکام که سعادت دنیا و آخرت ما را در خود جای داده‌اند، باید دقیقاً به

۱- به مسلمانی که تکالیف دینی را به عهده دارد، مَكَلَّف گفته می‌شود.

۲- با مفهوم خمس و زکات و احکام آنها در سال‌های آینده آشنا خواهیم شد.

همان شکلی که خداوند دستور داده است، اجرا شوند.  
به نمونه زیر توجه کنید.  
خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید؛

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ  
وَآتُوا الزَّكَاةَ  
وَاطِيعُوا الرَّسُولَ  
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۱</sup>

نماز را برپا دارید  
و زکات (اموالتان را) بدهید  
و از پیامبر اطاعت کنید  
تا مورد رحمت قرار گیرید.

این آیه به خوبی راه بهره‌مندی از رحمت الهی را به مؤمنان نشان داده است، اما؛

- آیا نماز در هر مکان و یا هر لباسی درست است؟
- شرایط و مقدمات واجب نماز چه چیزهایی است؟
- چه مقدار از اموال خود را باید به عنوان زکات بپردازیم؟
- زکات باید به چه کسی پرداخت شود؟

این پرسش‌ها تنها گوشه‌ای از پرسش‌های بسیاری است که هر مسلمانی باید از پاسخ‌های آنها اطلاع داشته باشد تا بتواند وظایف دینی‌اش را به درستی انجام دهد.  
ولی ما چگونه می‌توانیم از این احکام به صورت دقیق مطلع شویم؟



یکی از راه‌های دستیابی به وظایف و مسائل دینی، تحصیل علوم اسلامی است.  
در هر زمان، گروهی برای کسب دانش و تخصص به حوزه‌های علمیه می‌روند و پس از سال‌ها تحصیل، مطالعه و تحقیق در علوم دینی به تخصص دست می‌یابند. به این افراد متخصص، مجتهد یا فقیه گفته می‌شود. مجتهدان می‌توانند تمام احکام دینی را به دست بیاورند و دستورات خداوند را در هر موضوعی روشن کنند.

آیا بيمودن مسير طولانی تحقیق و رسیدن به مقام اجتهاد، برای همه مردم امکان‌پذیر است؟

۱- سوره نور، آیه ۵۶.

به نظر شما کسانی که خودشان نمی‌توانند به درجهٔ اجتهاد برسند، چگونه باید از وظیفهٔ دینی خود اطلاع پیدا کنند؟ شما می‌توانید دربارهٔ این پرسش با دوستانتان در کلاس گفتگو کنید و در صورت نیاز از معلم محترم کمک بگیرید.

### تقلید از مجتهد اعلم

- اولین مسئله‌ای که هر مکلف باید آن را بداند و به آن عمل کند، مسئله تقلید است. به مجتهدی که مردم برای یادگیری احکام به او مراجعه می‌کنند، مرجع تقلید گفته می‌شود. پیروی از مجتهد در احکام شرعی نیز تقلید گفته می‌شود.
- برخی از شرایط مرجع تقلید عبارت‌اند از:
- شیعهٔ دوازده امامی باشد؛
  - زنده باشد؛
  - عادل باشد، یعنی خودش به واجبات دینی اش عمل کند و از گناهان دوری کند؛
  - از مجتهدین دیگر داناتر باشد.

## فعالیت کلاسی

- الف) توضیح دهید از میان انواع تقلید کدام یک درست و کدام یک نادرست است؟
- تقلید جاهل از جاهل
  - تقلید عالم از جاهل
  - تقلید جاهل از عالم
  - تقلید عالم از عالم
- ب) با توجه به شرایطی که برای یک مرجع تقلید خواندیم، به پرسش‌های زیر پاسخ داده و علت را توضیح دهید:
- ۱- در شهری دو نفر مجتهد زندگی می‌کنند. یکی از آنها داناتر از دیگری است و دومی مُسن‌تر است، آیا مردم می‌توانند از هر کدام که می‌خواهند تقلید کنند؟
  - ۲- کسانی که امسال به سن بلوغ می‌رسند، آیا می‌توانند از مرجعی که از دنیا رفته است تقلید کنند؟
  - ۳- اگر فردی به درجهٔ اجتهاد برسد، اما عادل نباشد، آیا دیگران می‌توانند از او تقلید کنند؟

## انتخاب مرجع

حتماً تا حالا این پرسش برای شما هم به وجود آمده است که ما چگونه می‌توانیم مرجع تقلید خود را انتخاب کنیم؟

واضح است که انتخاب مرجع تقلید اعلی<sup>۱</sup>، برای عالمان دینی و کسانی که مجتهدان را می‌شناسند، امکان پذیر است. بقیه مردم نیز - که خودشان شناخت درستی از مراجع تقلید ندارند و نمی‌توانند مرجع تقلید اعلی را انتخاب کنند - می‌توانند با مشورت اهل علم<sup>۲</sup>، مرجع تقلید خود را انتخاب کنند، که اگر این کار را نکنند به اشتباه می‌افتند.

## خودت را امتحان کن

- ۱- مجتهد به چه کسی گفته می‌شود؟
- ۲- سه مورد از شرایط مرجع تقلید را بیان کنید.
- ۳- تقلید در احکام شرعی به چه معنی است؟ توضیح دهید.

---

۱- اعلی: دانایتر از مجتهدان دیگر

۲- معمولاً به روحانیونی که آشنا با علوم اسلامی هستند، اهل علم گفته می‌شود.

### وضو و تیمم

رسول اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** به یکی از اصحاب خود فرمود :

بسیار وضو بگیر تا خداوند بر عمرت بیفزاید. اگر برایت میسر است که شب و روز با وضو باشی، این کار را انجام بده؛ کسی که با وضو می خوابد، بسترش تا صبح برای او مسجد خواهد بود و خوابش برای او نماز!

✓ وقتی می خواهیم نماز بخوانیم؛

✓ وقتی قصد داریم دستمان را به نوشته های قرآن بزنیم؛

✓ وقتی به حج می رویم و می خواهیم طواف واجب حج را به جای بیاوریم؛

✓ وقتی که به یکی از نام های خداوند (به هر زبانی که نوشته شده باشد) دست می زنیم؛

در تمام این موارد واجب است وضو داشته باشیم.

علاوه بر این موارد، وضو گرفتن در بسیاری از موارد دیگر نیز مستحب است؛ هنگام تلاوت

قرآن کریم، همراه داشتن قرآن، زیارت حرم های امامان **علیهم السلام**، رفتن به مسجدها، زیارت اهل

قبور، و حتی هنگام خوابیدن، از مواردی هستند که شایسته است انسان در این زمان ها وضو داشته

باشد.

اما شرایط وضوی صحیح چیست؟

## شرایط وضوی صحیح

کسی که می‌خواهد وضو بگیرد، علاوه بر دانستن شیوه صحیح انجام وضو، باید به نکته‌های دیگری نیز توجه کند که شرایط وضوی صحیح نام دارند.

این شرایط عبارت‌اند از:

۱- پاک بودن آب وضو: آبی که با آن وضو می‌گیریم باید پاک باشد؛ اگر ندانیم و یا فراموش کنیم که آبی نجس است و با همان آب نجس وضو بگیریم، وضوی ما باطل است.

۲- مُطلق بودن آب وضو: پیش از توضیح این شرط باید بدانیم که آب‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: مطلق و مضاف.

آب مطلق به آب‌های خالصی گفته می‌شود که با چیز دیگر آمیخته نشده و یا از چیزی گرفته نشده باشد. آب باران، آب چشمه‌ها و چاه‌ها، آب رودها، دریاها و آب لوله‌کشی که در خانه‌ها وجود دارد، آب مطلق شمرده می‌شوند.

اما آبی که خالص نیست و آن را از چیز دیگری گرفته‌اند - مانند گلاب و آب‌میوه - و یا اینکه با چیز دیگری مخلوط شده باشد - مثل آب نمک غلیظ و آب‌های خیلی گل‌آلود به گونه‌ای که دیگر به آن آب نگویند - آب مضاف نامیده می‌شود.

وضو گرفتن فقط با آب مطلق صحیح است و ما نمی‌توانیم با آب مضاف وضو بگیریم.

۳- مباح بودن آب و ظرف آن: آبی که ما با آن وضو می‌گیریم باید مباح باشد؛ یعنی یا آب برای خودمان باشد و یا اینکه اگر برای دیگری است، او از وضو گرفتن ما با آب رضایت داشته باشد. بنابراین، استفاده از آب غصبی<sup>۱</sup> کاری حرام و وضو نیز با این آب باطل خواهد بود. البته وضو گرفتن با آب‌هایی که در مکان‌های عمومی قرار دارند صحیح است.

توجه داشته باشیم که ظرف آب وضو نیز نباید غصبی باشد؛ یعنی اگر ما برای وضو از ظرفی استفاده کنیم که صاحبش از استفاده ما راضی نباشد، وضوی ما باطل است.

۴- پاک بودن اعضای وضو: اگر صورت، دست‌ها، سر و یا روی پاها در هنگام وضو گرفتن نجس باشند، باید ابتدا نجاست را برطرف کرد، بدن را پاک نمود و سپس وضو گرفت. روشن است که اگر اعضای وضو نجس باشند، وضو باطل است.

۵- نبودن مانع در اعضا: در هنگام وضو، اگر چیزی به اعضای وضو چسبیده باشد که نگذارد آب به بدن برسد (مثل چربی کرم‌ها که بر دست و صورت باقی می‌ماند و یا لاک روی ناخن)

۱- به آبی غصبی می‌گویند که صاحب آن راضی نباشد ما از آن استفاده کنیم.

وضوی ما باطل خواهد بود.

۶- ترتیب: واجب است تمام مراحل وضو را به ترتیب انجام دهیم؛ یعنی پس از نیت، ابتدا صورتان را می‌شویم. سپس دست راست را از بالای آرنج تا نوک انگشتان می‌شویم و پس از آن دست چپ را نیز به همین صورت می‌شویم؛ بعد با همان رطوبتی که در دست داریم، سرمان را مسح می‌کنیم و بعد هم با همان رطوبت با دست راست، روی پای راست و با دست چپ روی پای چپ را مسح می‌کنیم. اگر مکلف این ترتیب را به هم بزند، وضویش باطل می‌شود.

۷- مُوالات: واجب است کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهیم و بین آنها فاصله نیندازیم. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله بیندازیم که حالت وضو به هم بخورد، به گونه‌ای که بگویند او مشغول کار دیگری شده است؛ مثلاً هنگام وضو گرفتن کسی با تلفن منزل تماس بگیرد و ما به صحبت با او مشغول شویم، وضوی ما باطل است.

۸- قصد قربت: باید فقط برای خشنودی خداوند وضو گرفت و اگر تمام وضو و یا بخشی از آن را به قصد دیگری به جز رضایت خداوند انجام دهیم وضوی ما باطل می‌شود. البته لازم نیست وضو را به زبان بگوییم.

## بیشتر بدانیم

### چند مسئله مهم وضو

اول - اگر ناخن فرد بلندتر از حد معمول باشد، باید چرک زیر آن را برای وضو برطرف کند.

دوم - کسی که به دلیل بیماری یا مشکل دیگری نمی‌تواند خودش وضو بگیرد، باید از شخص دیگری بخواهد که او را وضو دهد. در این حال مکلف باید خودش نیت وضو کند و هر کدام از کارهای وضو را هم که می‌تواند، خودش انجام دهد.

سوم - اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است؛ البته باید آن را برای نماز پاک کند.

چهارم - خانم‌ها نباید در جایی وضو بگیرند که نامحرم بدنشان را ببیند، هر چند این کار وضو را باطل نمی‌کند.



پنجم - راه رفتن در بین وضو اشکالی ندارد. بنابراین، اگر بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.

ششم - اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است.

هفتم - کسی که برای خشنودی خداوند وضو می‌گیرد، می‌تواند هر کاری را که باید با وضو انجام داد، با این وضو انجام دهد؛ مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند، دست به نوشته قرآن بزند و به طواف خانه خدا برود.

هشتم - در هنگام استفاده از اشیایی مانند گردنبند که نام خدا یا یکی از پیامبران یا امامان بر آن است - و با بدن تماس دارد - باید وضو داشت.

## تیمم

مواردی وجود دارد که باید به جای وضو یا غسل، تیمم کرد. این موارد عبارت‌اند از زمان‌هایی که مکلف :

- ۱- اصلاً به آب دسترسی ندارد؛ مثلاً در بیابان و یا کوهستان بی‌آبی گرفتار شده است.
- ۲- آب به همراه دارد، ولی استفاده از آن برایش ضرر دارد.
- ۳- آب در دسترس هست، ولی غصبی، نجس یا خیلی گل آلود است.
- ۴- آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد، از تشنگی به سختی خواهد افتاد.
- ۵- فرصت کافی برای وضو گرفتن ندارد و اگر بخواهد وضو بگیرد، نمازش قضا خواهد

شد.

در چهار مورد اول، مکلف در صورتی می‌تواند تیمم کند که مطمئن باشد تا پایان وقت نماز، این شرایط برایش تغییر نمی‌کند.



برای تیمم کردن ابتدا نیت می‌کنیم که برای خشنودی خداوند و به جای وضو یا غسل می‌خواهیم تیمم کنیم.



سپس کف هر دو دست را با هم بر روی خاک پاک می‌زنیم.  
 سپس دست‌ها را بر بالای پیشانی گذاشته و آنها را تا ابروها و بالای بینی می‌کشیم.  
 سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست گذاشته و از میچ تا نوک انگشتان می‌کشیم.  
 و در آخر کف دست راست را پشت دست چپ گذاشته و از میچ تا نوک انگشتان می‌کشیم.

## فعالیت کلاسی

- الف) با ذکر دلیل مشخص کنید در کدام یک از موارد زیر، وضوی مکلف صحیح و در کدام یک باطل است؟
- در گرمای تابستان، برای خشنودی خداوند وضو می‌گیرد و با این کار خنک هم می‌شود.
  - در برابر چشم دیگران و برای اینکه از او تعریف کنند، وضو می‌گیرد.
  - آب پاک در اختیار ندارد و به همین دلیل با گلاب وضو می‌گیرد.
  - در هنگام سفر، از آب رودخانه وضو می‌گیرد.
  - در حال وضو می‌خواهد سرش را مسح کند که ناگهان خون از بینی‌اش جاری می‌شود و روی صورتش می‌ریزد.
  - به دلیل کمر درد، نمی‌تواند خم شود و پاهایش را مسح کند، برای همین از برادرش می‌خواهد تمام مراحل وضو را او برایش انجام دهد.
  - بعد از وضو متوجه می‌شود که زیر ناخن‌هایش مقدار کمی آلودگی وجود دارد و ناخن‌هایش هم خیلی بلند نیست.
- ب) در حضور معلمان وضو بگیرید و از او بخواهید تا اشکالات احتمالی وضوی شما را برطرف کند.

- برخی از چیزهایی که وضو و تیمم را باطل می‌کنند عبارت‌اند از :
- ۱- خارج شدن ادرار، مدفوع و گازهای روده از بدن،
  - ۲- به خواب رفتن (به صورتی که چشم نبیند و گوش هم نشنود)، و
  - ۳- از بین رفتن موقتی یا دائمی عقل، مانند دیوانگی، مستی و بی‌هوشی.<sup>۱</sup>

## خودت را امتحان کن

- ۱- از شرایط وضوی صحیح پنج مورد را نام ببرید و توضیح دهید.
- ۲- سه مورد از مواردی که مکلف باید برای نماز، تیمم کند را بیان کنید.
- ۳- شیوه صحیح تیمم کردن را به صورت خلاصه توضیح دهید.

## پیشنهاد

با مراجعه به رساله توضیح المسائل مرجع خود ببینید تیمم علاوه بر خاک، بر چه چیزهای دیگری صحیح است؟

۱- علاوه بر این، مبطلات وضو چیزهای دیگری هم هستند که در آینده با آنها آشنا خواهید شد.

### مُبَطَّلَاتِ نَمَاز

آن روز، نمازخانه مدرسه شلوغ‌تر از روزهای دیگر بود. صادقی و محمدی هم گوشه‌ای از نمازخانه نزدیک هم نماز می‌خواندند. ناگهان یکی از بچه‌ها سرش را از پنجره داخل کرد و گفت: بچه‌ها زود باشید الان زنگ می‌خورد.

کمی بعد، صادقی ناگهان نمازش را شکست و پس از چند لحظه سکوت دوباره تکبیرة الاحرام گفت و نمازش را شروع کرد.

نمازشان که تمام شد، محمدی پرسید: چرا نمازت را شکستی؟ مگر نمی‌دانی شکستن نماز حرام است؟

صادقی جواب داد: اگر کسی بی‌دلیل نمازش را بشکند کار حرامی انجام داده است، اما من که بی‌دلیل این کار را نکردم. نماز من پیش از اینکه من آن را بشکنم، خودش باطل شده بود.

محمدی با تعجب پرسید: چطور؟!

صادقی گفت: داشتم تسبیحات اربعه را می‌گفتم که یک دفعه متوجه شدم مقداری از خرده‌های نان که پیش از نماز خورده بودم در دهانم باقی مانده است. در این فکر بودم که چه کار کنم که ناگهان بی‌اختیار آن را قورت دادم. همان وقت یک نفر گفت: الان زنگ می‌خورد. من که به خاطر قورت دادن نان شک کرده بودم نمازم درست است یا نه، این حرف هم حواسم را بیشتر پرت کرد. هرچه فکر کردم دیگر یادم نیامد رکعت سوم هستم یا چهارم؟ برای همین نمازم را که باطل شده بود رها کردم و آن را از اول خواندم.

محمدی گفت: اولاً که قورت دادن خرده‌های کوچک نان یا هر چیز دیگر، نماز را باطل نمی‌کند. از این گذشته چه کسی گفته آدم هر جای نمازش که شک کند، نماز باطل می‌شود؟ پس نماز را بی دلیل شکسته‌ای!

صادقی پرسید: تو مطمئنی نماز درست بوده؟

محمدی گفت: بله، امام جماعت مسجد محله ما چند شب است که دربارهٔ مبطلات نماز صحبت می‌کند. من این موضوع را از او شنیده‌ام. اگر می‌خواهی مطمئن شوی امشب بیا مسجد و از خودش سؤال کن...



در سال‌های گذشته با برخی از احکام و آداب نماز آشنا شدیم و دانستیم که نمازی که با رعایت آداب و احکام آن خوانده شود، تأثیر عمیقی بر خوشبختی انسان و خشنودی خداوند از نمازگزار خواهد گذاشت.

ما در این درس به بررسی احکام دیگری خواهیم پرداخت که بی‌اطلاعی از آنها باعث باطل شدن نماز می‌شود.

## مُبطلات نماز

می‌دانید چه کارهایی نماز را باطل می‌کنند؟ بنا بر فتوای مراجع تقلید، مبطلات نماز دوازده چیز است که ما به صورت خلاصه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- از بین رفتن یکی از شرایط نماز: در سال گذشته با برخی از شرایط نماز آشنا شدیم. پاک بودن لباس و بدن نمازگزار، وضو داشتن و همچنین غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار از آن شرایط بودند.

اگر نمازگزار در بین نماز متوجه شود که یکی از این شرایط از بین رفته است؛ مثلاً یادش بیاید وضو نگرفته یا مکانی که در آن نماز می‌خواند غصبی است، نمازش باطل است.

۲- باطل شدن وضو: اگر وضوی نمازگزار در بین نماز باطل شود، نمازش نیز باطل خواهد شد.

۳- روی برگرداندن از قبله: اگر نمازگزار در حال نماز صورت خود را از قبله به طرف چپ یا راست بگرداند، (به اندازه‌ای که دیگر رو به قبله به حساب نیاید) نمازش باطل است و فرقی بین عمدی

و یا سهوی<sup>۱</sup> بودن این کار نیست.

۴- خندیدن با صدای بلند (قهقهه): خنده بلند، در صورتی که عمدی باشد نماز را باطل می‌کند. بنابراین، لبخند زدن و یا خنده باصدا که عمدی نباشد، نماز را باطل نمی‌کند.

۵- حرف زدن در بین نماز: اگر نمازگزار در بین نماز عمداً سخن بگوید، حتی اگر یک کلمه هم باشد، (مثلاً بگوید: آخ) نمازش باطل خواهد شد، ولی اگر بدون توجه و از روی فراموشی در بین نماز چیزی بگوید، نمازش صحیح است.

۶- به هم زدن صورت نماز: اگر نمازگزار در بین نماز، کاری انجام دهد که حالت نماز را به هم بزند، مثلاً دست بزند و یا به هوا ببرد نمازش باطل می‌شود و فرقی ندارد که این کارش کم باشد یا زیاد، عمدی باشد یا سهوی. البته انجام کارهایی که صورت و حالت نماز را به هم نمی‌زند، مثل اشاره کردن با دست، نماز را باطل نمی‌کند.

۷- خوردن و آشامیدن: خوردن و آشامیدن باعث باطل شدن نماز می‌شود، اما اگر نمازگزار ذره‌های ریز غذا یا چیزهای دیگر را که در دهان دارد، در بین نماز فرو برد، نمازش صحیح است.

۸- کم و زیاد کردن ارکان و واجبات نماز: ما در سال‌های پیش با ارکان و واجبات نماز آشنا شدیم. اگر نمازگزار عمداً یا سهواً یکی از ارکان نماز مانند رکوع را کم یا زیاد کند، نمازش باطل می‌شود. البته کم یا زیاد کردن بقیه واجبات نماز، به جز ارکان تنها وقتی نماز را باطل می‌کند که عمدی باشد.

۹- شک کردن در رکعت‌های نماز دو یا سه رکعتی: اگر نمازگزار در حالی که نماز دو یا سه رکعتی می‌خواند، شک کند که در رکعت چندم نماز است و با کمی فکر و تأمل نیز شک او برطرف نشود، نمازش باطل می‌شود و همچنین اگر در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی هم شک کند، نمازش باطل می‌شود.<sup>۲</sup>

## فایده کلاسی

با توجه به موارد نه‌گانه‌ای که گفته شد، در داستان ابتدای درس، آیا نماز صادقی باطل شده بود؟ مواردی که صادقی انجام داده بود ولی نمازش باطل نشده بود را مشخص کنید.

۱- کاری که از روی فراموشی و بی‌توجهی از انسان سر می‌زند.

۲- علاوه بر مواردی که در این درس خواندیم، دو کار دیگر نیز باعث باطل شدن نماز می‌شود که عبارت‌اند از آمین گفتن بعد از

خواندن سوره حمد و روی هم گذاشتن عمدی دست‌ها در حال نماز.

## چند مسئله مهم درباره نماز

- نماز گزار می تواند در قنوت نماز به زبان فارسی یا هر زبان دیگری دعا کند.
- اگر نماز گزار اذکار نمازش را آن قدر تند و با عجله بگوید که تلفظ آنها صحیح نباشد، نمازش باطل می شود.
- شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، ولی برای جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد.
- اگر اذکار واجب نماز را در حال حرکت بگوید؛ مثلاً بخشی از ذکر رکوع را در حالی بگوید که دارد از رکوع برمی خیزد، نمازش باطل می شود.
- اگر در بین نماز، مُهر (یا چیزی که بر آن سجده می کند) را از دست بدهد؛ مثلاً کودکی آن را بردارد و با خود ببرد، چنانچه برای خواندن آن نماز وقت دارد، باید نماز را بشکند.
- اگر نماز گزار در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل می شود.
- نماز گزار نباید در حال نماز به دیگران سلام کند، ولی اگر دیگران به او سلام کنند، باید جواب سلام آنها را در حال نماز بدهد. البته جواب دادن به سلام غلطی که سلام به حساب نمی آید یا از روی تمسخر انجام می شود، واجب نیست.
- جواب سلام نماز گزار به دیگران باید مانند لفظ سلام آنان باشد، مثلاً اگر کسی به نماز گزار بگوید: سلام؛ نماز گزار هم در جواب تنها باید بگوید: سلام؛ و اگر سلام کننده بگوید: سلام علیکم، نماز گزار هم در جواب باید بگوید: سلام علیکم.
- سرفه، عطسه و خمیازه کشیدن نماز را باطل نمی کند.
- اگر نماز گزار بعد از نماز شک کند که هنگام نماز، کاری که نماز را باطل می کند انجام داده است یا نه، نمازش صحیح است.
- گریه کردن برای آموزش گناهان در حال نماز، چه آهسته باشد و چه با صدای بلند عمل پسندیده ای است.

- در هریک از موارد زیر توضیح دهید که آیا نماز نمازگزار صحیح است یا خیر.
- ۱- خیلی عجله دارد و به همین دلیل بعضی از اذکار نماز را در حال حرکت می‌گوید.
  - ۲- وسط اتاق نماز می‌خواند که برادر کوچکش محکم با سه چرخه به پایش می‌کوبد! او هم بی‌اختیار فریاد می‌زند: آخ! و بعد از کمی سکوت، نمازش را ادامه می‌دهد و بعد از پایان نماز هم دو سجده سهو انجام می‌دهد.
  - ۳- مشغول خواندن حمد و سوره است که ناگهان از پشت سرش صدای بلندی می‌شنود، بی‌اختیار برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. سپس خیلی زود تا حواسش جمع می‌شود رو به قبله برمی‌گردد و بقیه حمد و سوره‌اش را می‌خواند.
  - ۴- درحالی که در مقابل تلویزیون نماز می‌خواند، خواهرزاده کوچکش تلویزیون را روشن می‌کند. با دیدن یکی از صحنه‌های فیلم خنده‌اش می‌گیرد، ولی با تلاش فراوان خودش را کنترل می‌کند و فقط آرام می‌خندد.
  - ۵- در رکعت سوم مشغول تسبیحات اربعه است که خبر مهمی را از تلویزیون می‌شنود. برای اینکه درست متوجه خبر شود چند دقیقه سکوت می‌کند و پس از تمام شدن آن بخش از خبر، بقیه تسبیحات را می‌گوید.
  - ۶- در بین نماز، گوشی تلفن همراهش زنگ می‌زند، بدون اینکه ذکر بگوید، آن را از جیبش درمی‌آورد و نگاه می‌کند و سپس خاموش می‌کند و نمازش را ادامه می‌دهد.
  - ۷- در نماز چهار رکعتی وقتی سر از سجده دوم بر می‌دارد شک می‌کند که در رکعت دوم است یا رکعت سوم.



- ۱- پنج مورد از مبطلات نماز را نام ببرید.
- ۲- در چه زمانی انسان می تواند جواب سلام کسی را که در نماز به او سلام کرده است، ندهد؟
- ۳- اگر نمازگزار در نماز مغرب شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، نمازش چه حکمی دارد؟

بیشتر بدانیم

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید :  
هنگامی که انسان به نماز می ایستد، به خاطر رحمت خداوند که او را فرا گرفته است، شیطان با حسادت به او می نگرد.<sup>۱</sup>



## فصل سوم: معاد



می‌دانیم که مرگ پایان زندگی نیست بلکه پلی است که دو طرف زندگی ما (دنیا و آخرت) را به هم وصل می‌کند. هر انسانی دوست دارد بداند که پس از مرگ چه رویدادهایی منتظر اوست؟

در سال‌های پیش با برخی از رویدادهای پس از مرگ آشنا شدیم و دانستیم که اعمال ما می‌تواند بر حالت ما در هنگام مرگ و زندگی پس از آن تأثیرگذار باشد.

درس هفتم (روز رستاخیز) به برخی دیگر از اتفاقات روز قیامت اشاره می‌کند و به ما می‌آموزد که باید در دنیا چگونه باشیم تا در روز قیامت خوشحال و رستگار شویم.



### روز رستاخیز

از خورشید فروزان، جز دایره‌ای کم‌رنگ و بی‌رمق چیزی باقی نمانده است! ستاره‌ها هم نوری ندارند. کوه‌های سستبر و بلندی که روزی میخ‌های زمین بودند اکنون مانند ابرها در حرکت‌اند و دریاها آتش گرفته‌اند.<sup>۱</sup> این هنوز اول ماجراست.



انسان‌ها دوباره زنده می‌شوند...

کتاب اعمال کسی را به دست راستش می‌دهند. کمی که نگاه می‌کند، آرامش به چهره‌اش برمی‌گردد. کم‌کم چهره‌اش روشن و روشن‌تر می‌شود و لب‌خند به لب‌هایش می‌نشیند. حالا بدون هیچ ترسی با اشتیاق کتابش را می‌خواند و ناگهان؛

آهای! بیایید کتابم را ببینید! از اول هم می‌دانستم که روز حساب در کار است...<sup>۲</sup>

از همین حالا نشاط بهشت در چهره‌اش موج می‌زند. می‌خواهد نامه‌اش را به همه نشان دهد.

امادر گوشه‌ای دیگر، کتاب کسی را به دست چپش می‌دهند. از خجالت سرش را پایین می‌اندازد.

از همین حالا تکلیفش روشن است. طوری که کسی نبیند، آرام گوشه کتابش را باز می‌کند.

همین که نگاهی به کتابش می‌کند غباری تاریک صورتش را فرامی‌گیرد.

این دیگر چه کتابی است؟ هرچه انجام داده‌ام اینجاست! کاش اصلاً کارنامه‌ی اعمالم را نمی‌دادند!

ای کاش نمی‌دانستم حساب کارهایم چیست! کاش با مردن کارم تمام می‌شد! دارایی و ثروتم سودی

برایم نداشت، قدرتم نیز از دستم رفت.<sup>۳</sup>

از غصه‌ی دستان خود را می‌گزد! دارد خودش را سرزنش می‌کند<sup>۴</sup> که ناگهان...

۱- سوره تکویر، آیات ۱-۳.

۲- سوره حاقه، آیات ۱۹-۲۰.

۳- سوره حاقه، آیات ۲۵-۲۹.

۴- سوره فرقان، آیه ۲۷.

قرآن کریم از روز قیامت با نام‌های مختلفی یاد کرده است: روز جدایی، روز حسرت، روز برانگیختن و روز حساب. با دقت در متنی که خواندیم مشخص کنید این نام‌ها به کدام یک از بخش‌های متن صفحه قبل اشاره دارد؟

علاوه بر نام‌هایی که به آنها اشاره شد، روز قیامت نام‌های دیگری نیز دارد. برخی از این نام‌ها عبارت‌اند از: روز جاودانگی، روز جزا، روز حق، روز معلوم، روز بزرگ، روز جمع شدن و... هر یک از این نام‌ها به ویژگی خاص روز قیامت اشاره دارد. در اینجا ویژگی دو نام از نام‌های روز قیامت را با هم بررسی می‌کنیم.

## ۱- روز حسابرسی

یکی از نام‌های روز قیامت یوم الحساب، یعنی روز حسابرسی است. در این روز تمام اعمال نیک و بد انسان‌ها - چه کوچک و چه بزرگ - مورد بازبینی و پرسش قرار می‌گیرند و هر کس در برابر یکایک کارهایی که انجام داده است، پاداش یا مجازات متناسب با عملش را دریافت خواهد کرد. حسابرسی روز قیامت به نحوی انجام می‌شود که هیچ عملی بدون بررسی باقی نمی‌ماند و تمامی کارهای کوچک و بزرگی که انسان در زندگی انجام داده است حسابرسی می‌شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا  
يَرَهُ  
وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا  
يَرَهُ»<sup>۱</sup>

هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد  
[جزای] آن را می‌بیند!  
و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد انجام دهد  
[جزای] آن را می‌بیند!

۱- سوره زلزله، آیات ۷-۸.

حال که تمامی کارهای ما در روز قیامت به دقت حسابرسی می‌شود، وظیفه ما در برابر کارهایی که انجام می‌دهیم چیست؟

## ۲- روز جدایی

یکی دیگر از نام‌های روز قیامت یوم الفصل (روز جدایی) است. در این روز - همان‌طور که از نامش پیداست - انسان‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند و هر کس به گروهی که کارهایشان شبیه آنها بوده است، می‌پیوندد.

به نظر شما برای نجات از چنین رنج بزرگی چه باید کرد؟

## نوشه‌های روز حساب

«الَّذِينَ آمَنُوا	کسانی که ایمان آورده
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	و کارهای شایسته کرده‌اند،
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ	آنان اهل بهشتند،
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» <sup>۱</sup>	و در آن جاودان خواهند ماند.

اولین و مهم‌ترین چیزی که خداوند آن را مایه رستگاری انسان در روز قیامت می‌داند ایمان است. ایمان شرط اصلی سعادت و رهایی از زیان‌کاری است که بدون آن هیچ کار نیکی نیز سودمند نخواهد بود. آیا ایمان به تنهایی برای معاد انسان کافی است؟

در جواب باید گفت: ایمان وقتی می‌تواند انسان را به خوشبختی واقعی برساند که با عمل صالح همراه شود و در حقیقت، عمل صالح نشانه ایمان است و بدون اعمال نیک، ایمان نیز کم‌کم از قلب انسان رخت برمی‌بندد.

۱- سوره بقره، آیه ۸۲.

اتاقی را با چند پنجره باز تصور کنید. شما بیرون از اتاق ایستاده اید. اگر هنگام شب و در حالی که همه جا تاریک است، یک نورافکن بزرگ را در این اتاق روشن کنند، از بیرون اتاق چه چیزی دیده می‌شود؟

آیا امکان دارد در حالی که پنجره‌ها باز هستند و مانعی هم بر سر راه نور قرار ندارد، از این اتاق روشن هیچ نوری خارج نشود؟

چشم، گوش، زبان و بقیه اعضای بدن ما پنجره‌های قلب ما هستند. اگر نور ایمان واقعی در قلب کسی وجود داشته باشد، بدون شک این نور از قلب او فراتر می‌رود و در گفتار و رفتار او ظاهر می‌شود.

اکنون شاید برای شما هم این پرسش به وجود آمده باشد که در میان اعمال صالح، کدام یک می‌تواند فایده بیشتری در روز قیامت داشته باشد؟

## نیکی‌های ماندگار

کسی که زمین خود را برای ساختن مسجد و یا مدرسه هدیه می‌کند و مردم تا سال‌های طولانی بعد از مرگ او از این مکان‌ها استفاده می‌کنند؛

استادی که به دیگران کار خوبی می‌آموزد و آنان پس از مرگ استاد به آن کار عمل می‌کنند و خودشان هم همان کار را به دیگران می‌آموزند؛

کشاورز نیکوکاری که درختی را می‌کارد و پس از مرگش دیگران از آن درخت استفاده می‌کنند؛ کسی که فرزندان نیکی تربیت می‌کند و آنان پس از مرگ او، برایش دعا و طلب آمرزش می‌کنند و کار خیر انجام می‌دهند؛

کسی که با سال‌ها مطالعه و تحقیق کتاب‌های سودمندی می‌نویسد و دیگران با استفاده از آن کتاب‌ها رستگار می‌شوند؛

این گونه کارها، باقیات الصالحات نام دارند. کارهای نیکی که پس از مرگ صاحبشان نیز باقی می‌مانند و همچنان حسنات و پاداش‌های الهی را به پرونده اعمال او اضافه می‌کنند. این در حالی است که پرونده اعمال سایر کارهای نیک پس از مرگ بسته می‌شود و چیز جدیدی به آن افزوده نمی‌شود.

بنابراین کسی که از خود کار نیک ماندگاری به جای می‌گذارد، مانند این است که سال‌های طولانی به عمر خود می‌افزاید و برای پربرتر کردن اعمال نیک خود فرصت بیشتری به دست می‌آورد.

نمونه‌های دیگری از نیکی‌های ماندگار (باقیات الصالحات) را نام ببرید.

## خودت را امتحان کن

- سه نام از نام‌های روز قیامت را بنویسید و علت یکی از این نام‌گذاری‌ها را توضیح دهید.
- باقیات الصالحات یعنی چه؟ دو نمونه از آن را نام ببرید.
- عبارت‌های زیر را مرتب کنید و با استفاده از آنها حدیث داخل مستطیل را کامل کنید.

اگر نماز بنده‌ای پذیرفته شود،

و اگر نمازش رد شود،

نماز است.

بقیه اعمالش نیز پذیرفته می‌شود،

اولین چیزی که در روز قیامت محاسبه می‌شود

بقیه اعمالش نیز مردود خواهد شد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:<sup>۱</sup>

اولین چیزی که .....  
..... خواهد شد.

## فصل چهارم: راهنماشناسی



خداوند مهربان برای هدایت و کمک به ما راهنمایی فرستاده است تا راه زندگی درست و رستگاری در دنیا و آخرت را به ما بیاموزند. پیامبران و امامان کسانی هستند که توجه به رفتار و سخنان آنها الگویی نیک برای سعادت است. در این فصل بیشتر با راهنمایان آشنا می‌شویم:

درس هشتم (آخرین پیامبر و آخرین پیام) به ما می‌آموزد که رسول اکرم **صلی الله علیه و آله** آخرین رسول الهی و خاتم پیامبران است و معجزه جاوید او قرآن کریم، آخرین و کامل‌ترین نسخه شفابخش الهی برای انسان‌هاست.

درس نهم (پیوند ناگسستنی) با اشاره به ارتباط عمیق اهل بیت پیامبر **علیهم السلام** و قرآن کریم، به ما می‌آموزد که آنان معلمان واقعی قرآن کریم هستند و در میان تمام افراد بشر، هیچ کس به اندازه آنان از اسرار و معارف قرآن کریم باخبر نیست.

درس دهم (وقتی اسلام کامل شد) با بیان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام یعنی واقعه غدیر خم، به مسئله جانشینی پیامبر خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** می‌پردازد و نشان می‌دهد که پس از پیامبر اعظم، شایسته‌ترین فرد برای رهبری مردم امیرالمؤمنین علی **علیه السلام** است.

درس یازدهم (رهبری در عصر غیبت) به این پرسش پاسخ می‌دهد که در زمان غیبت، رهبری و هدایت مردم به عهده چه کسانی است و این افراد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟





آخرین پیامبر  
و  
آخرین پیام

کودک هفت ساله‌ای را تصور کنید که برای اولین بار به مدرسه آمده است.  
معلم این کودک چگونه مسائل ریاضی را به او می‌آموزد؟  
آیا معلم در همان روزها و هفته‌های اول می‌تواند شیوهٔ گرفتن جذر اعداد و یا ضرب و تقسیم  
اعداد کسری را به او یاد دهد؟ چرا؟



## خاتم النبیین

در طول تاریخ هرچه فهم و اندیشه انسان‌ها رشد بیشتری می‌کرد، آمادگی برای پذیرش پیام‌های مهم‌تر و کامل‌تر خداوند نیز بیشتر می‌شد و در نتیجه، پیامبران الهی برای آنها معارفی را بازگو می‌کردند که پیشینیان، از درک آن معارف ناتوان بودند.

پیام‌های اصلی همهٔ رسولان الهی با هم یکسان است و اگر ناتوانی انسان‌ها در فهم آن پیام‌ها نبود، خداوند بزرگ همهٔ پیام‌هایش را در اولین کتاب هدایت برای بشر ارسال می‌کرد. بنابراین هر یک از پیامبران علاوه بر اینکه مردم زمان خود را با زبانی ساده راهنمایی می‌کردند، ظرفیت آنان را نیز برای دریافت معارف عمیق‌تر و کامل‌تر خداوند افزایش می‌دادند و مقدمات دعوت پیامبر بعد از خود را فراهم می‌کردند.

این مسیر ادامه داشت تا اینکه جامعهٔ انسانی کم‌کم به مرز آمادگی نهایی خود برای درک والاترین معارف الهی رسید. در این زمان بود که آخرین پیامبر الهی برای رساندن مهم‌ترین پیام‌های خداوند حکیم به مردم، برانگیخته شد.

## فعالیت کلاسی

شعر زیر را بخوانید و ضمن گفتگو دربارهٔ مصرع دوم آن، بیان کنید که پیام این مصرع با موضوع درس ما چه ارتباطی دارد؟  
نام احمد نام جمله انبیاست      چون که صد آمد نود هم پیش ماست<sup>۱</sup>

## قرآن، آخرین پیام

اکنون که می‌دانیم رسول خدا آخرین پیامبر الهی است، کاملاً روشن است که کتاب آسمانی ایشان قرآن نیز آخرین و کامل‌ترین کتابی است که از طرف خدا به زمین نازل شده است و انسان‌ها پس از آن، دیگر پیامی از خداوند بزرگ دریافت نخواهند کرد. اهمیت فوق‌العاده قرآن کریم موجب شده است قرائت این کتاب آسمانی از نیکوترین اعمال به‌شمار رود و پاداش بزرگ خداوند را به دنبال داشته باشد.

امام صادق علیه السلام درباره فضیلت تلاوت قرآن می فرماید:

جوان با ایمانی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونس آمیخته می شود و خداوند او را در ردیف فرشتگان ارجمند و نیکوکار قرار می دهد. قرآن در روز قیامت، محافظ او می شود [و] می گوید: پروردگارا، هرکس که عملی انجام داده، مزد و پاداش کارش را گرفته است، پس به کسانی که به من عمل کرده اند نیز نیکوترین هدیه هایت را عطا کن.<sup>۱</sup>

هرچند تلاوت آیات الهی با صدایی نیکو و رعایت تجوید، موجب زیبایی و دلنشینی بیشتر قرائت قرآن می شود، اما مهم ترین مسئله، قرآن خواندن و تفکر در معانی آن است؛ یعنی اینکه در طول شبانه روز، زمان مشخصی را (هرچند کوتاه) به خواندن و تدبر در قرآن کریم اختصاص داد. این همان عملی است که خداوند حکیم برای آن هیچ حد و اندازه ای معین نکرده و فرموده است:

«...فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...»

هر قدر برایتان میسر است قرآن بخوانید.<sup>۲</sup>

اکنون شاید از خودمان پرسیم علت این همه تأکید بر قرائت قرآن چیست و چگونه ممکن است یک کتاب چنین نقش مهمی را در سعادت انسان داشته باشد؟ پاسخ این سؤال را باید در محتوای قرآن جست و جو کنیم. در حقیقت قرآن کریم تنها کتابی است که می تواند به پرسش های اساسی و مهم بشر پاسخ درست بدهد. این پرسش ها عبارت اند از:

من کیستم؟

آفریدگارم کیست و از کجا آمده ام؟

در این دنیا چگونه باید باشم؟

کسانی که پیش از من در این دنیا زندگی می کردند، اکنون کجا هستند؟

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۳.

۲- سوره مزمل، آیه ۲۰.

راهنمایان من چه کسانی اند؟

این پرسش‌ها محدود به زمان خاصی نیست و انسان‌ها همواره برای یافتن پاسخ‌های درست تلاش کرده‌اند. اشعار مولوی شاعر پارسی زبان ایرانی شاهدهی بر این موضوع است:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم      که چرا غافل از احوال دل خویشتم  
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟      به کجا می‌روم آخرنمایی و ظنم  
امیرمؤمنان حضرت علی **علیه السلام** دربارهٔ قرآن می‌فرماید:  
«... قرآن پند دهنده‌ای است که فریب نمی‌دهد.

هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید.  
کسی با قرآن همنشین نشد مگر آنکه قرآن چیزی بر او افزود و یا چیزی از او کاست، بر هدایت او افزود و از گمراهی و کوردلی‌اش کاست.

بدون قرآن هیچ کس بی‌نیاز نخواهد شد، پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید.

به وسیلهٔ قرآن خواسته‌های خود را از خدا بخواهید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید؛ زیرا وسیله‌ای برای تقرّب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد.  
پس شما در گروه عمل‌کنندگان به قرآن باشید و از قرآن پیروی کنید. با قرآن خدا را بشناسید و خود را با قرآن اندرز دهید.»<sup>۱</sup>

## پیام‌های اصلی قرآن

با نگاهی کلی به آیات کتاب خدا می‌بینیم که محتوای این کتاب آسمانی به چند دسته کلی تقسیم

می‌شود:

- ۱- خداشناسی، دعوت به یکتاپرستی و نهی از پرستش غیر خدا،
- ۲- معاد و سرنوشت انسان پس از مرگ و توصیف بهشت و جهنم،
- ۳- معرفی پیامبران و دعوت مردم به الگو گرفتن از آنان،
- ۴- سرگذشت اقوام پیشین و عبرت گرفتن از سرانجام آنها،
- ۵- وظایف مردم در برابر یکدیگر و راه درست معاشرت با دیگران و
- ۶- یادآوری نعمت‌های الهی و تشویق مردم به تفکر دربارهٔ آنها و قدردانی و اطاعت از خداوند.

۱- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۷۶.

همان گونه که می‌بینیم محتوای قرآن کریم بهترین پاسخ‌ها به پرسش‌های اصلی انسان است و هیچ کس به اندازه آفریدگار حکیم با او و نیازهایش آشنا نیست.

## خود را امتحان کن

- ۱- چرا خداوند حکیم، تعالیم عمیق قرآن را به اقوام پیش از اسلام نازل نفرمود؟
- ۲- طبق فرمایش حضرت امیرمؤمنان، همشینی با قرآن چه تأثیراتی بر انسان می‌گذارد؟
- ۳- براساس روایت امام صادق **علیه السلام** تأثیر قرائت قرآن در جوانی چیست؟
- ۴- با توجه به آیه ۲۰ سوره مزمل، هرکس در شبانه‌روز چقدر باید قرآن بخواند؟

## پیشنهاد

یک بار دیگر به محتوای اصلی قرآن که در درس گفته شد مراجعه کنید. برای هر مورد دو آیه در قرآن پیدا کنید و در کلاس با ترجمه برای دوستانتان بخوانید.

## بیشتر بدانیم

یکی از نزدیکان امام خمینی (ره) می‌گوید:

تا جایی که من اطلاع دارم، امام از اوایل عمر تاکنون هر روز مقداری قرآن می‌خوانند. این یکی از کارهای روزانه ایشان است که بر اساس همان نظم دقیقی که در زندگی دارند، ساعتی را نیز برای تلاوت و انس با قرآن کریم اختصاص داده‌اند. در این ساعت کسی نزد ایشان نمی‌رود و پاسخ سؤال کسی را نمی‌دهند و کاملاً جان و دل را به قرآن داده و به آیات قرآنی و معانی آن توجه می‌کنند.

روزی به ایشان عرض کردم: آقا شما سراپای وجودتان قرآن عملی است، دیگر چرا این قدر قرآن می‌خوانید؟ امام مکتبی کرد و فرمود: هرکس بخواهد از آدمیت سر در بیاورد و آدم بشود باید دائم قرآن بخواند.<sup>۱</sup>

۱- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، صفحات ۵ تا ۱۳.

### پیوند ناگسستنی

روزی امام صادق علیه السلام به یاران خود تفسیر آیاتی از قرآن را می‌آموخت. هنگام غذا خوردن شد. حضرت دستور داد غذایی بیاورند. بعد از تمام شدن غذا حاضران گفتند تاکنون غذایی به این لذیذی و پاکیزگی نخورده بودند.

یکی از یاران گفت بر اساس آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»<sup>۱</sup> (پس در آن روز درباره نعمت از شما سؤال خواهد شد) در روز قیامت از این غذایی که نزد فرزند پیامبر اکرم خوردیم از ما سؤال خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند کریم‌تر و شأنش بالاتر از آن است که طعامی به بنده‌اش بدهد و آن را برایش حلال و گوارا سازد، آن‌گاه از آن بازخواست نماید. بلکه منظور از نعیم در آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» تنها نعمت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است که به شما ارزانی داشته است.<sup>۲</sup> در روز قیامت درباره نعمت ولایت ما اهل بیت از شما سؤال خواهد شد.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام نعمت ولایت اهل بیت را از بزرگترین نعمت‌های الهی دانسته است که در روز قیامت از آن سؤال خواهد شد. به نظر شما علت این همه تأکید پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام بر نعمت اهل بیت چیست؟ چرا افرادی به غیر از امام صادق علیه السلام این جنبه از معنای آیه هشتم سوره تکوین را نمی‌دانستند؟



۱- سوره تکوین، آیه ۸.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۸۰.

۳- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۰۲، ح ۶.

در درس پیش دانستیم که در قرآن کریم تمامی چیزهایی که برای سعادت انسان در دنیا و آخرت مورد نیاز است، گنجانده شده است. واضح است که هرکس به این معجزه جاویدان پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** توجه کند، می تواند در سطح فهم و دانش خود از آن بهره ببرد. اما آیا همه انسان ها می توانند به عمق علوم و معارف عمیق قرآن دست یابند؟

خداوند حکیم، پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** را اولین معلم قرآن قرار داد؛ زیرا ایشان بهتر از هر انسان دیگری می داند که هر آیه از قرآن در چه زمانی و به چه علتی نازل شده است و مفهوم و تفسیر واقعی آن چیست. پیامبر اعظم برای انجام رسالت مهمی که برعهده داشتند، با تمام وجود به بیان معارف الهی قرآن و آموزش مردم زمان خود پرداختند. اما مردمی که بعد از وفات رسول خدا به دنیا می آیند چگونه باید راه خوشبختی خود را در دنیا و آخرت پیدا کنند؟

به نظر شما خداوند برای راهنمایی این گروه - که اتفاقاً جمعیت آنها بسیار بیشتر از مردم زمان پیامبر اعظم است - چه تدبیری اندیشیده است؟

امام کاظم **علیه السلام** در پاسخ به این سؤال می فرماید:

خداوند بلند مرتبه قبل از آنکه پیامبر خود را از دنیا ببرد، تمام حلال و حرام دین خود را برای او بیان کرد. پس پیامبر نیز در زمان زندگی خود هر آنچه که شما به آن نیاز دارید را برایتان آورده است، همان چیزهایی که پس از وفات رسول الله نیز می تواند با کمک اهل بیتش نیازهای شما را برطرف کند.<sup>۱</sup>

## تربیت معلمان آینده

رسول خدا از ابتدای بعثت، برنامه کامل و دقیقی برای هدایت مردم طراحی کرده بود که حتی سعادت انسان های پس از خود را نیز تضمین می کرد. این برنامه عبارت بود از تربیت معلمان ویژه برای فهم و آموزش معارف عمیق قرآن.

فکر می کنید چه کسی می توانست شایسته ترین فرد برای هدایت مردم پس از رسول خدا باشد؟ بهترین فرد برای این جایگاه، کسی بود که از کودکی در آغوش پر محبت پیامبر خدا پرورش یافته بود، همان کسی که از هرکس دیگری به پیامبر نزدیک تر بود و از کودکی در اثر تربیت فوق العاده پیامبر از علوم الهی برخوردار شده بود.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۰.

امیرمؤمنان دربارهٔ روزهای کودکی خود می‌فرماید:

من از کودکی با رسول خدا بودم و او هر روز دری از علم به رویم می‌گشود و اخلاق و آداب نیک را برابم آشکار می‌ساخت و دستور می‌داد پیوسته از او پیروی کنم.<sup>۱</sup>

پیامبر به من می‌فرمود: خداوند به من سفارش کرده است تو را تربیت کنم و علوم و معارف دین را به تو بیاموزم و خدا فرموده است جان تو پذیرا و نگه دارندهٔ این معارف است.

هیچ آیه‌ای بر پیامبر نازل نمی‌شد، مگر اینکه آن را برای من قرائت می‌کرد. او می‌خواند و من با خط خودم آن را می‌نوشتم و سپس تفسیر و تاویل آن آیه را به من می‌آموخت و از خداوند درخواست می‌کرد که قدرت فهم و حفظ آن را به من عطا کند. پس هرچه از حلال و حرام و امر و نهی و اتفاقات گذشته و آینده که خداوند به او آموخته بود، همه را به من آموخت و من آنها را حفظ کردم و با دعای پیامبر حتی یک حرف از آن را هم فراموش نکردم.<sup>۲</sup>

از آنچه خواندیم درمی‌یابیم که پیامبر خدا اسرار و نکات عمیق قرآن را به حضرت علی **علیه السلام** آموختند تا پس از رحلت ایشان، مردم بتوانند با کمک امیرمؤمنان و امامان پس از ایشان از معارف قرآن بهره‌مند گردند و با استفاده از این آموزه‌ها بر مشکلات خود غلبه کنند.

حضرت علی **علیه السلام** می‌فرماید:

روزی رسول خدا به من فرمود: ای علی، آنچه برایت می‌گویم، بنویس.  
گفتم: ای رسول خدا، آیا بیم آن را دارید که سخنان شما را فراموش کنم؟  
فرمود: نه؛ بیم فراموشی بر تو ندارم؛ زیرا خدا خواسته است که تو را حافظ احکام و معارف دین قرار دهد، اما اینها تنها برای تو نیست؛ بلکه برای امامان بعد از تو نیز هست، برای آنها بنویس.

آن‌گاه رسول خدا به پسر حسن اشاره کرد و فرمود: اولین آنها، حسن است.  
سپس نگاهی به حسین کرد و فرمود: دومین آنها حسین است و بقیه از فرزندان حسین هستند.<sup>۳</sup>

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷.

۲- کافی، ج ۱، ص ۶۴.

۳- منابع المودة، ص ۲۲.



اصحاب پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** بارها و بارها از ایشان شنیده بودند که می فرمود :

ای مردم، من از میان شما می روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می گذارم. تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد؛ یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند، پس خوب مراقب باشید که بعد از من با این دو چگونه رفتار می کنید<sup>۱</sup>.

این سخن رسول خدا بعدها به حدیث ثقلین مشهور شد به وضوح نشان می دهد که تنها راه رسیدن به سعادت و راهیابی به بهشت زیبای خداوند، پناه بردن به قرآن و اهل بیت پیامبر است و رها کردن هریک از این امانت های ارزشمند الهی نتیجه ای جز سرگردانی و گمراهی نخواهد داشت.

## فعالیت کلاسی

آیات زیر را با دقت بخوانید :

۱- **إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ**

این قرآنی ارجمند

**فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ**

در کتابی نهفته است

**لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ<sup>۲</sup>**

که جز پاک شدگان کسی به آن دسترسی ندارد.

۲- **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ**

خداوند می خواهد

**لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ** پلیدی و گناه را فقط از شما اهل بیت [پیامبر]

دور کند

**وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا<sup>۳</sup>**

و شما را کاملاً پاک سازد.

این آیات را کنار هم قرار دهید و درباره پیامی که از آنها درمی یابید در کلاس گفتگو کنید.

۱- سنن ترمذی، ج ۵، صص ۶۶۲ - ۶۶۳؛ مستدرک حاکم، ج ۳، صص ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۸، ۵۳۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۴۳۲؛

مسند احمد بن حنبل، ج ۳، صص ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹.

۲- سوره واقعه، آیات ۷۷ تا ۷۹.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۳.

- ۱- چرا خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اولین معلم قرآن قرار داد؟
- ۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هدایت مردم بعد از خود چه برنامه‌ای طراحی کرده بود؟
- ۳- ترجمه حدیث ثقلین را بنویسید.

## پیشنهاد

سوره کوثر کوتاه‌ترین سوره قرآن کریم است که در جزء سی‌ام قرار دارد. درباره معنای این سوره تحقیق کنید و نتیجه تحقیق خود را در کلاس بخوانید. به نظر شما معنای این سوره چه ارتباطی با درس دارد؟

## بیشتر بدانیم

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

حدیث من، حدیث پدرم است و حدیث پدرم، حدیث جدم است و حدیث جدم، حدیث امام حسین است و حدیث امام حسین، حدیث امام حسن است و حدیث امام حسن، حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام است و حدیث امیرالمؤمنین، حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و حدیث رسول الله، کلام خداوند عزوجل است.<sup>۱</sup>